

ORIGINAL ARTICLE

The Study of Hidden Simile in the Resurrection's Verses

Zahra Nadali

Assistant Professor, Department of
Arabic Language and Literature,
Payame Noor University, Tehran,
Iran.

Correspondence:
Zahra Nadali
Email: zh_nadali@pnu.ac.ir

Received: 18 Jan 2022
Accepted: 02 Nov 2023

How to cite

Nadali, Z. (2025). The Study of Hidden
Simile in the Resurrection's Verses.
Journal of Qur'anic Interpretation and
Language, 14(1), 13-22.
(DOI:[10.30473/quran.2024.62638.3106](https://doi.org/10.30473/quran.2024.62638.3106))

ABSTRACT

The present study examines and analyzes implicit similes in twelve selected verses of the Holy Quran on the subject of the Day of Judgment and the afterlife. In this study, eighteen implicit similes were extracted and analyzed based on rhetorical criteria such as the presence or absence of similes and metaphors, type of composition, and sensory perception. The research method was descriptive-analytical, and using a rhetorical and linguistic approach, the selected verses were studied in terms of the type of simile, the effect of similes and metaphors, and rhetorical characteristics. The findings show that all of the aforementioned similes are emphatic and concise, and for this reason, they are at the peak of rhetoric. Also, sensory-to-sensory (visible-to-visible) similes are observed with the highest frequency, and singular-to-singular similes also form the most combinations, which helps to increase clarity and effectiveness in conveying the concepts of the Day of Judgment. This research emphasizes that implicit similes in the Holy Quran, due to their brevity, lack of direct use of metaphors, and establishment of subtle similarities, while being concise, offer deep and thought-provoking meanings to the audience.

KEYWORDS

Holy Quran, implicit simile, resurrection, rhetoric, semantic analysis.



پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن

سال سیزدهم، شماره اول، پیاپی بیست و پنجم، پاییز و زمستان ۱۴۰۳ (۲۲-۱۳)

DOI: 10.30473/quran.2024.62638.3106

«مقاله پژوهشی»

بررسی تشبیه مضمّر یا ضمنی در آیات مربوط به قیامت

زهره نادعلی

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی و تحلیل تشبیهات ضمنی در دوازده آیه منتخب از قرآن کریم با موضوع قیامت و جهان دیگر می‌پردازد. در این مطالعه، هجده تشبیه ضمنی استخراج و بر اساس معیارهای بلاغی مانند وجود یا عدم وجود ادات تشبیه و وجه شبه، نوع ترکیب و ادراک حسی، مورد تحلیل قرار گرفتند. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و با استفاده از رویکرد بلاغی و زبان‌شناسی، آیات انتخاب شده از نظر نوع تشبیه، تأثیر ادات و وجوه تشبیه و ویژگی‌های بلاغی مورد مطالعه قرار گرفتند. یافته‌ها نشان می‌دهد که تمامی تشبیهات مذکور از نوع مؤکد و مجمل بوده و به همین دلیل از اوج بلاغت برخوردارند. همچنین، تشبیهات حسی به حسی (مشهود به مشهود) با بیشترین فراوانی مشاهده شده است و تشبیهات مفرد به مفرد نیز بیشترین ترکیب را تشکیل می‌دهند که به افزایش وضوح و تأثیرگذاری در انتقال مفاهیم قیامت کمک می‌کند. این پژوهش تأکید دارد که تشبیه‌های ضمنی در قرآن کریم به دلیل موجز بودن، عدم استفاده مستقیم از ادات و برقراری شباهت‌های ظریف، در عین اختصار، معانی عمیق و قابل تأملی را به مخاطب ارائه می‌دهند.

واژه‌های کلیدی

قرآن، تشبیه ضمنی، قیامت، بلاغت، تحلیل معنایی.

استادیار گروه زبان و ادبیات عرب، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

نویسنده مسئول:

زهره نادعلی

رایانامه: zh_nadali@pnu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۱۱

استناد به این مقاله:

نادعلی، زهره (۱۴۰۳). بررسی تشبیه مضمّر یا ضمنی در آیات مربوط به قیامت. پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، ۱۳(۱)، ۲۲-۱۳.
(DOI:10.30473/quran.2024.62638.3106)



۱. مقدمه

تشبیه یکی از صنایع بلاغی مهم در زبان عربی و قرآن کریم است که بر اساس آن، چیزی (مشبه) به چیز دیگری (مشبه‌به) به واسطه وجه‌شبهی مانند می‌شود. خطیب قزوینی در کتاب «التلخیص فی علوم البلاغة» تشبیه را این‌گونه تعریف می‌کند: «التشبيه الدلالة على مشاركة أمر لآخر في معنى» (خطیب قزوینی، ۱۹۰۴: ۲۳۸). این تعریف بر مشارکت در معنا تأکید دارد اما علامه تفتازانی به این واژه اشکال می‌گیرد و تأکید می‌کند که در مشارکت باید اتحاد ماهوی میان شریکان وجود داشته باشد که در تشبیه این‌گونه نیست. بر این اساس، تشبیه در لغت به معنای مانند کردن چیزی به چیز دیگر است، خواه این دو از نظر ماهیت متحد باشند یا نباشند. لذا تعریف دقیق‌تر تشبیه اصطلاحی به صورت «تشابه شيء بشيء آخر في أمر مخصوص» مناسب‌تر است (شیرازی، ۱۳۷۰، ج ۳: ۵۹-۶۰).

سیر تاریخی بلاغت عربی نشان می‌دهد که تشبیه تنها به معنای صریح و آشکار نیست، بلکه انواعی از آن وجود دارد که به دلیل پیچیدگی و ظرافت معنایی، فهم آن نیازمند دقت و تأمل بیشتر است. یکی از این انواع، تشبیه مضمَر یا ضمنی است که در آن وجه‌شبه و ادات تشبیه حذف شده و تشبیه به‌طور غیرمستقیم بیان می‌شود. این نوع تشبیه در متون کلاسیک بلاغت به ویژه آثار جرجانی، سکاکی و تفتازانی مورد توجه قرار گرفته است (جرجانی، ۱۳۷۰: ۵۲؛ السکاکی، ۲۰۰۰: ۴۶۳؛ التفتازانی، ۱۳۷۶، ج ۲: ۳۵).

سیروس شمیسا در کتاب «بیان» تشبیه را «مانند کردن چیزی به چیزی، مشروط بر اینکه آن ماندگی مبتنی بر کذب باشد نه صدق» می‌داند؛ یعنی ادعایی است که دو چیز به ظاهر شبیه هم نیستند، بلکه این شباهت توسط مخاطب پذیرفته می‌شود (شمیسا، ۱۳۸۱: ۶۷). تشبیه براساس حضور یا حذف ادات و وضوح وجه‌شبه به انواع مختلفی تقسیم می‌شود: تشبیه صریح، تشبیه ضمنی (مضمَر)، تشبیه بلیغ، و غیره. تشبیه مضمَر، نوعی تشبیه بلیغ است که در آن ادات حذف و وجه‌شبه به‌طور ضمنی و غیرمستقیم بیان می‌شود و برای فهم آن به تحلیل دقیق‌تری نیاز است.

۲. ضرورت و اهمیت پژوهش

با توجه به جایگاه بلاغت و صنایع ادبی در فهم دقیق‌تر مفاهیم قرآن، بررسی تشبیه ضمنی در آیات مربوط به قیامت اهمیت ویژه‌ای دارد. این تشبیهات که به دلیل پیچیدگی مفهومی، نیازمند تحلیل و تفسیر عمیق هستند، می‌توانند دریچه‌های تازه‌ای به فهم

معانی قرآن و تبیین پیام‌های آن بگشایند. با این حال، تاکنون پژوهش‌های محدودی به طور تخصصی به تحلیل تشبیه مضمَر در آیات قیامت پرداخته‌اند. این پژوهش تلاش می‌کند با بهره‌گیری از مبانی نظری بلاغت و تحلیل متون قرآنی، شیوه کاربرد این نوع تشبیه را در موضوع قیامت مورد واکاوی قرار دهد و خلأ موجود در این زمینه را پر کند.

۳. پیشینه پژوهش

در حوزه تشبیه و انواع آن، تحقیقات متعددی انجام شده است. برخی پژوهش‌ها به بررسی کلی تشبیه در قرآن پرداخته‌اند (مثل بررسی تشبیه بلیغ در قرآن) و برخی به جنبه‌های خاصی از بلاغت و صنایع ادبی توجه کرده‌اند. برای مثال، تحقیقات شیرازی (۱۳۷۰) و شمیسا (۱۳۸۱) به تشریح انواع تشبیه و ویژگی‌های آن اختصاص یافته است. همچنین، آثار کلاسیکی مانند «اسرار البلاغة» جرجانی (۱۳۷۰)، «مفتاح العلوم» سکاکی (۲۰۰۰) و «مختصر المعانی» تفتازانی (۱۳۷۶) منابع معتبر و غنی در تعریف و تبیین تشبیه مضمَر هستند. پژوهش حاضر برپایه این منابع و با تمرکز بر آیات قیامت، رویکردی تخصصی و تحلیلی دارد که در پیشینه مشابه آن کمتر دیده شده است.

۴. مبانی نظری پژوهش

تشبیه مضمَر یا ضمنی، تشبیهی است که در آن مشبه و مشبه‌به در فرم‌های شناخته‌شده تشبیه ظاهر نمی‌شوند بلکه به طور ضمنی به آنها اشاره شده و مخاطب باید از متن و زمینه آنها را استخراج کند (هاشمی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۷۳). این نوع تشبیه می‌تواند بدون ادات تشبیه باشد و وجه‌شبه آن به صورت بلیغ (مختصر و مؤکد) بیان شود.

جرجانی در کتاب «اسرار البلاغة» به تشبیه مضمَر اشاره دارد و نمونه‌هایی مانند «پیشانی روشن» یا «ماه شب چهارده» را مثال می‌آورد که در آنها تشبیه به طور مستقیم بیان نشده اما مخاطب تشبیه را دریافت می‌کند (جرجانی، ۱۳۷۰: ۵۲). علامه سکاکی نیز در «مفتاح العلوم» بیان می‌کند که جمله‌هایی مانند «دیدن شیر» در واقع تشبیه‌اند و فقط شدت و ضعف آنها متفاوت است (السکاکی، ۲۰۰۰: ۴۶۳).

تفتازانی تشبیه ضمنی را در زمره تشبیه اصطلاحی آورده و جملاتی مانند «لقت من زید أسداً» را نمونه آن می‌داند که ادات تشبیه حذف شده‌اند (التفتازانی، ۱۳۷۶، ج ۲: ۳۵). صاحب «جواهرالبلاغه» تشبیه مضمَر را تشبیهی می‌داند که مشبه و مشبه‌به، به طور مستقیم بیان

نمونه‌هایی از این تشبیه‌ها عبارتند از تشبیه مؤمنان به باغ‌های بهشتی که در آن‌ها میوه و سایه و آب روان هست، و کافران به حالت‌هایی که از شدت عذاب و حسرت به آن مبتلا می‌شوند. این تشبیهات نه تنها تصویر ذهنی واضحی ایجاد می‌کنند بلکه بار معنایی گسترده‌ای دارند که تنها با دقت در معانی و مفاهیم ضمنی آنها قابل درک است.

۵-۱. تشبیه ضمنی در آیات مربوط به قیامت

۵-۱-۱ مدخل: شیوه بیان مفاهیم غیبی در قرآن

یکی از ویژگی‌های ممتاز قرآن کریم، کاربست بیانی هنرمندانه برای مفاهیم غیبی است. موضوعاتی نظیر قیامت، بهشت، جهنم، عذاب، حساب، میزان، صراط، تجسم اعمال و ... به گونه‌ای مطرح شده‌اند که علی‌رغم غیبی و فرابشری بودن آن‌ها، برای انسان قابل درک و ملموس جلوه می‌کنند.

قرآن در بیان این موضوعات از ظرافت‌های بلاغی بسیاری بهره می‌برد که از جمله مهم‌ترین آن‌ها، استفاده از تشبیهات گوناگون است. گاهی این تشبیهات، صریح و آشکارند و گاهی ضمنی، پنهان، و مبتنی بر ادراک مخاطب. همین «تشبیه ضمنی» که این پژوهش به آن می‌پردازد، ابزاری است برای تقریب مفاهیم غیبی به ذهن انسان محسوس‌گرا.

۵-۲. قیامت در قرآن: اجمالی از معنا و ساختار مفهومی

واژه‌ی «قیامت» مصدر «قام-یقوم» است و به معنای برخاستن و ایستادن می‌باشد. در اصطلاح قرآنی، قیامت به معنای برخاستن انسان‌ها از قبر و حضور در پیشگاه الهی برای حسابرسی است. این حادثه بزرگ، یکی از ارکان ایمان دینی در اسلام محسوب می‌شود و قرآن در صدها آیه به آن پرداخته است.

فقه‌های مسلمان، قیامت را به دو بخش عمده تقسیم می‌کنند:

- قیامت صغری: مرحله‌ی آغازین تغییرات کیهانی و نابودی عالم مادی

- قیامت کبری: مرحله‌ی حیات دوباره، حشر، حساب و قرار گرفتن انسان‌ها در سرنوشت ابدی‌شان
- این تقسیم‌بندی در قرآن نیز بازتاب یافته است. آیاتی که از زلزله زمین، انفجار دریاها، محو شدن خورشید و ستارگان، و تبدیل زمین و آسمان سخن می‌گویند، مربوط به قیامت صغری‌اند؛ در حالی که آیاتی درباره‌ی نفخه‌ی صور، احضار اعمال، نصب میزان، صراط و ... ناظر به قیامت کبری‌اند.

نشده‌اند بلکه از معنی جمله فهمیده می‌شوند و مثالی از ابوالطیب متنبی را ذکر می‌کند (هاشمی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۷۳).

از نظر ساختاری، تشبیه مضمر به دو شیوه «تفضیل» و «تساوی» نمود می‌یابد که در آن، مشبّه به نسبت به مشبّه به صورت مختلفی بیان می‌شود؛ مثلاً در شیوه تفضیل، مشبّه به تحقیر، سرزنش یا حقارت می‌شود و در شیوه تساوی، طرفین تشبیه برابر یا شبیه یکدیگر دانسته می‌شوند (اقبالی، ۱۳۹۲).

شرایط و عناصر تشبیه مضمر مشابه تشبیه صریح است، اما به دلیل حذف ادات تشبیه و بعضاً وجه شبه، فهم آن مستلزم دقت و تامل بیشتری است. از نظر بلاغت، این نوع تشبیه غالباً در شعر و متون ادبی برای ایجاد اثر هنری عمیق‌تر به کار می‌رود و در قرآن کریم نیز به دلیل پیچیدگی مفهومی، جایگاه خاصی دارد.

۴. شیوه قرآن در کاربست تشبیه

قرآن کریم با ظرافت و هنرمندی خاصی از تشبیه بهره می‌برد تا معانی عمیق و حقایق پیچیده را به زبانی ساده‌تر و قابل فهم‌تر برای مخاطب بیان کند. تشبیه‌های قرآن غالباً ضمنی و بلیغ هستند و علاوه بر ادات تشبیه، از صور مختلف زبانی مانند استعاره، کنایه و مجاز نیز استفاده می‌شود. به عنوان نمونه، در آیه شریفه «حتی یتبین لكم الخیط الأبیض من الخیط الأسود من الفجر» (بقره: ۱۸۷) تشبیهی ضمنی صورت گرفته است که در آن فجر به خیط الأبیض تشبیه شده است (شیرازی، ۱۳۷۰).

قرآن با این شیوه، مخاطب را به تفکر و تأمل دعوت می‌کند و از سادگی صرف واژگان فراتر رفته، به لایه‌های عمیق‌تری از معنا می‌پردازد. تشبیه ضمنی در قرآن به عنوان یک ابزار بلاغی، موجب تعمیق فهم مفاهیم مرتبط با موضوعات مهمی چون قیامت، معاد، عدالت و ... می‌شود.

۵. داده‌های بحث: تشبیه ضمنی در آیات

مربوط به قیامت

آیات مربوط به قیامت در قرآن، از جمله آثاری است که تشبیه ضمنی در آن‌ها به وفور دیده می‌شود. این تشبیهات با هدف انتقال مفاهیم عمیق و پیچیده مربوط به روز جزا، حسابرسی، عذاب و پاداش به کار رفته‌اند. مثلاً در برخی آیات قیامت، حال مؤمنان و کافران به صورت تشبیه ضمنی بیان شده است که فهم دقیق آن نیازمند تحلیل بلاغی است.

۵-۵. ویژگی‌های تشبیه مضمّر در آیات قیامت

براساس داده‌های تحلیل‌شده، تشبیه ضمنی در آیات مربوط به قیامت، معمولاً دارای ویژگی‌های زیر است:

ویژگی	توضیح
حذف ادات تشبیه	اغلب ادات (مثل: ک، مثل، کان...) حذف شده‌اند
فقدان وجه شبه صریح	تشبیه بر پایه احساس و تداعی ذهنی شکل می‌گیرد، نه وجه شبه منطقی
مشبه و مشبه‌به نامشخص‌اند	مخاطب از سیاق آیه باید آن‌ها را استخراج کند
تأکید بر عظمت و ترس قیامت	با این شیوه، هیبت حادثه بیشتر در ذهن مخاطب می‌نشیند

۵-۶. نتیجه‌گیری این بخش

استفاده قرآن از تشبیه ضمنی در توصیف وقایع قیامت، نه فقط نشانه‌ای از اوج بلاغت این کتاب الهی است، بلکه از ظرفیت‌های زبانی برای القای امور غیبی نیز پرده برمی‌دارد. در قیامت، موضوعاتی مطرح است که با ذهن مادی انسان قابل درک نیست. تشبیه ضمنی، این مفاهیم را در قالبی هنری، در عین حال معنوی و تأمل‌برانگیز ارائه می‌دهد.

در پژوهش حاضر، با تحلیل انواع آیات مرتبط با قیامت، نمونه‌هایی از تشبیه مضمّر استخراج و بررسی شد. در ادامه مقاله، به صورت جزئی‌تر، انواع این تشبیهات ضمنی طبقه‌بندی شده و در قالب جداول، آیات نمونه تحلیل خواهند شد.

۶. تشبیهات ضمنی آیات مربوط به قیامت

تشبیه یکی از ابزارهای بلاغی و ادبی بسیار مهم در قرآن کریم است که برای روشن‌سازی مفاهیم و مقاصد الهی به کار رفته است. در آیات قیامت، تشبیهات ضمنی نقش ویژه‌ای دارند تا معانی و واقعیت‌های آن روز بزرگ را به زبان قابل فهم و ملموس برای مخاطب بیان کنند.

۶-۱. بقره/۱۱۳

«وَقَالَتِ الْيَهُودُ لَيْسَتِ النَّصَارَىٰ عَلَىٰ شَيْءٍ وَقَالَتِ النَّصَارَىٰ لَيْسَتِ الْيَهُودُ عَلَىٰ شَيْءٍ وَهُمْ يَتْلُونَ الْكِتَابَ كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ مِثْلَ قَوْلِهِمْ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ». براساس این آیه کریمه، یهودیان مسیحیان را متهم به ناحق بودن و کفر می‌کردند و مسیحیان هم یهودیان را، این

۵-۳. بیان قیامت در قرآن از رهگذر تشبیه

از آنجا که وقایع قیامت در حوزه‌ی تجربیات انسانی نمی‌گنجند، قرآن برای تقریر این مفاهیم، از فن تشبیه بهره برده است؛ زیرا «تشبیه»، پل میان معقول و محسوس است. از میان انواع تشبیه، «تشبیه ضمنی» بیش از همه در بیان رویدادهای قیامت به چشم می‌خورد؛ زیرا:

۱. مخاطب را به تأمل بیشتر وامی‌دارد.
۲. با استفاده از ترکیبات بلاغی غیراستاندارد، ذهن را برای درک امور خارق عادت آماده می‌سازد.
۳. در عین حال، حجیت معنایی خود را حفظ می‌کند، چرا که از ابزارهای مقبول در زبان عربی فصیح است.

۵-۴. تشبیه ضمنی (مضمّر) در بیان نشانه‌های قیامت

برخی از آیات مربوط به نشانه‌های قیامت حاوی تشبیه ضمنی هستند؛ به این معنا که قرآن بدون آنکه صریحاً از ادات تشبیه استفاده کند، واقعه‌ای را به واقعه‌ای دیگر مانند کرده است، به نحوی که مشبه و مشبه‌به در ذهن مخاطب پنهان است و از طریق تأمل در معنای جمله به دست می‌آید.

مثال ۱: «إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا» (زلزال: ۱)

در این آیه، زمین به موجودی زنده که در حال لرزیدن است تشبیه شده است؛ اما نه با صراحت. مخاطب با تصور زمین لرزان، مشابهت آن را با بدن لرزان یا مخلوقی گرفتار آشوب در ذهنش شکل می‌دهد. این همان تشبیه ضمنی مبتنی بر مشابهت در حالت است.

مثال ۲: «وَإِذَا الْكَوَاكِبُ انْتَثَرَتْ» (انفطار: ۲)

در این آیه، پراکندگی ستارگان به مانند دانه‌های تسبیح گسیخته‌شده تصویر شده است، ولی هیچ تشبیه صریحی در کار نیست. ترکیب آیه، مخاطب را به تخیل وادار می‌کند تا با تصویر ذهنی از انترار، به درک تشبیهی پنهان برسد. اینجا نیز با یک تشبیه ضمنی مواجه هستیم.

مثال ۳: «وَجُمِعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ» (قیامه: ۹)

در این آیه نیز، تشبیه ضمنی بین ترکیب دو نهاد نوری مستقل (خورشید و ماه) به مانند قرار گرفتن دو نیروی عظیم در نقطه‌ای واحد است. این تصویر، بی‌آنکه بیان تشبیه کند، احساس ترس و عظمت لحظه قیامت را القا می‌کند.

این آیه کریمه، ما بَخَلُوا بِه یعنی آنچه از مال که نسبت به آن بخل ورزیدند و انفاق نکردند (مَشَبَّه) به طوق^۱ گردن (مَشَبَّه به) که از سَيِّطَوُفُونَ مستفاد است تشبیه شده است. مراد از طوق گردن در اینجا، می تواند یوغ یا چیزی مانند آن باشد که برای شکنجه ی انسان به کار برده می شود. مالی که در راه خداوند متعال انفاق نمی شود مثل زکات مال، سرانجام از جهت اینکه وبال گردن صاحبش است در آخرت چنان یوغی برگردن صاحبش خواهد شد و او را شکنجه خواهد کرد. تشبیه ضَمْنی، مؤکد مجمل (بلیغ)، مفرد مقید به مفرد و محسوس به محسوس وجود دارد.

۶-۳. اعراف/۴۰

«إِنَّ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا لَا تُفَتَّحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ» در این آیه کریمه، محال بودن ورود تکذیب کنندگان آیات الهی و مستکبران و باز نشدن درهای آسمان به روی آنان به گذشتن شتر نر از سوراخ سوزن تشبیه شده است. همان طور که شتر نر از سوراخ سوزن نمی گذرد و این مسأله امری محال و نشدنی است همین طور دخول تکذیب کنندگان آیات الهی به بهشت محال و ناممکن است. در این آیه، تشبیه تمثیلی ضَمْنی، مؤکد، مجمل (بلیغ)، مفرد به مرکب و معقول به محسوس وجود دارد.

لازم به ذکر است که جمل به معنی طناب بزرگ و کلفت هم که در کشتی از آن استفاده می کنند آمده است. علامه طبرسی در مجمع البیان می نویسد: «قِيلَ هُوَ حَبْلُ السَّفِينَةِ وَ قِيلَ الْحَبَالُ وَ الْحَبْلُ الْغَلِيظَةُ مِنَ الْقَتَبِ» (الطبرسی، ۱۴۱۲، ج ۴: ۵۱۸). در این فرض، رفتن کافران تکذیب کننده آیات الهی به بهشت به عبور طناب کلفت کشتی از سوراخ سوزن مانند شده است. اسماعیلی که این تشبیه را در زمره ی تشبیهات تمثیلی قرآن کریم آورده، معتقد است که در این آیه ی کریمه، چهار تشبیه جزء به قرار تشبیه کافر به طناب، تشبیه کافر به شتر نر، تشبیه رفتن کافر به بهشت به عبور شتر از سوراخ سوزن و تشبیه رفتن کافر به بهشت به عبور طناب کلفت از سوراخ سوزن وجود دارد (اسماعیلی، ۱۳۸۱: ۲۴۷).

درحالی است که هم یهودیان و هم مسیحیان، کتاب خداوند را در دست داشتند و آن را می خواندند و حق و باطل برایشان آشکار بود. اتهام زدن از سوی هرکه باشد جرم است. به نظر می رسد که اتهام زندگان یهود و نصارا و افراد نادان و جاهل (مَشَبَّه) به عنوان مَتَّهَم (مَشَبَّه به) و پروردگار متعال (مَشَبَّه) به عنوان قاضی (مَشَبَّه به) و عرصه ی قیامت (مَشَبَّه) به عنوان محکمه یا دادگاه (مَشَبَّه به) است. از این جهت، سه تشبیه ضَمْنی، مؤکد، مجمل (بلیغ)، به ترتیب مرکب به مفرد، مفرد به مفرد و مفرد به مفرد و محسوس بعید به محسوس قریب و معقول به محسوس و معقول به محسوس می توان دریافت کرد. شبیه این تشبیه در آیات دیگری هم قابل تصور است. برای نمونه در آیه ی کریمه ی «الَّذِينَ يَتَرَبَّصُّونَ بِكُمْ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ فَتْحٌ مِنْ اللَّهِ قَالُوا أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ وَإِنْ كَانَ لِلْكَافِرِينَ نَصِيبٌ قَالُوا أَلَمْ نَسْتَحْوِذْ عَلَيْكُمْ وَنَمْنَعْكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء: ۱۴۱) آنان که در کمین مؤمنان بودند یعنی منافقان، همان کسانی که نه در جبهه ی مؤمنان بودند و نه در جبهه ی کافران. هنگام پیروزی مؤمنان، به مؤمنان می گفتند: مگر ما یار و پشتیبان شما نبودیم و در همان حال، به کافران می گفتند: مگر ما به شما هشدار نداده بودیم؟ نفاق و هزارچهرگی هم جرم است و صاحب آن باید محاکمه شود. در این راستا، منافقان (مَشَبَّه) در داشتن جرم به سان مَتَّهَم و مجرم یا مشتکی عنه (مَشَبَّه به) و مؤمنان (مَشَبَّه) در اینکه به آنان ظلم شده و حقشان لگدمال شده است به سان شاکی (مَشَبَّه) و پروردگار متعال (مَشَبَّه) به عنوان قاضی و حکم عادل و بی طرف (مَشَبَّه به) قابل تصور است. باز در این آیه ی کریمه، هم سه تشبیه ضَمْنی، مؤکد، مجمل (بلیغ)، مفرد به مفرد و محسوس به محسوس وجود دارد. جز آنکه در تشبیه پروردگار متعال به قاضی و حکم عادل، تشبیه به اعتبار ادراک طرفین، معقول به محسوس (عقلی-حسی) است. نزدیک به این تشبیهات در آیه ی هفدهم سوره ی مبارکه جائیه و آیه ی یکصد و بیست و چهارم سوره ی مبارکه ی نحل هم وجود دارد.

۶-۲. آل عمران/۱۸۰

«وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَّهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخَلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» در

۱. طوق (به فتح اول) حلی للنعق یحیط به و کلّ ما استدار بشئ (الخوری الشرتونی، ۱۴۱۶: ۴۰۴/۳): هر چیزی مثل گردن آویز که به گردن بسته شود. هر چیزی را که دور چیزی دیگر پیچیده شود طوق می گویند.

۴-۶. مائده/۳۶

«إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ أَنَّ لَهُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِثْلَهُ مَعَهُ لَيَفْتَدُوا بِهِ مِنْ عَذَابِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَا تُقْبَلُ مِنْهُمْ»: در این آیه کریمه، مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا یعنی همه‌ی آنچه از نعمت‌های بارزش بر روی زمین وجود دارد. مثل ذخایر طلا و نقره و سنگ‌های بارزش (مشبه) به فدیهِی آزادی (مشبه‌به) مانند شده است. کافران که در آخرت دچار عذاب الهی خواهند شد آرزو می‌کنند که ای کاش همه‌ی آنچه که در زمین است مال آنها می‌شد و آنان همه‌ی خزائن زمین را می‌دادند تا از عذاب الهی آزاد و رها شوند. تشبیه ضمنی، مؤکد، مجمل (بلیغ)، مفرد مقید به مفرد و محسوس به محسوس است.

۵-۶. عنکبوت/۱۳

«وَلِيَحْمِلْنَ أَثْقَالَهُمْ وَأَثْقَالًا مَعَ أَثْقَالِهِمْ وَلَيُسْأَلُنَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَمَّا كَانُوا يَفْعَلُونَ»: در این آیه کریمه، درست است که اَثْقَال جمع ثَقُل به معنی بارِ سنگین، استعاره‌ی مصرّحه لطیفی برای گناهان است با کمی دَقّت ملاحظه می‌کنیم که خداوند متعال، کسانی را که کفر می‌ورزیدند و نفاق می‌کردند به انسان‌های بارکشی که از بارکشی خود مزد و اجرت نمی‌گیرند و بلکه بیگاری می‌کنند و نه تنها بار خود که بار دیگران را هم بدون مزد و اجرتی بر دوش می‌کشند مانند کرده است و این تشبیه از کلمه‌ی لِيَحْمِلْنَ به خوبی مستفاد می‌شود. نتیجه آنکه، کافرانی که دیگران را هم به مسیر کفرورزی می‌کشاند بار گناه آنان را هم باید بر دوش بکشند. تشبیه ضمنی مفرد به مفرد محسوس بعید به محسوس قریب مؤکد مجمل بلیغ وجود دارد.

۶-۶. حدید/۱۳

«يَوْمَ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ لِلَّذِينَ آمَنُوا انظُرُونَا نَقْتَبِسْ مِنْ نُورِكُمْ قِيلَ ارْجِعُوا وَرَاءَكُمْ»: مؤمنان در آخرت یکپارچه نور خواهند شد. به سان خورشید خواهند درخشید و به تعبیر ما به پیرامون خود نور و روشنی خواهند پاشید. این صفت الهی که آیه کریمه‌ی «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (نور: ۳۵) مؤید آن است نیز مانند دیگر صفات الهی نصیب مؤمنان خواهد شد و هرچه مراتب ایمان بالاتر و قوی‌تر باشد به گواهی آیه‌ی «نُورُهُمْ يَسْعَى بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَتْمِمْ لَنَا نُورَنَا» (تحریم: ۸) نور و درخشش و روشنی هم به همان میزان بالاتر و قوی‌تر خواهد بود. همان‌طور که خداوند نور آسمان‌ها و زمین است در جهان دیگر نیز مؤمنان (مشبه) یکپارچه نورند (مشبه‌به) و روشنی‌بخش. تشبیه

مؤمنان به نور تشبیه ضمنی مفرد به مفرد محسوس به محسوس مؤکد مجمل بلیغ وجود دارد. تکرار نور و نیز سیاق آیه، طوری است که انسان می‌پندارد تشبیه‌ی در کار نیست و حقیقت آن است که این نور، نور ایمان مؤمنان است که در اندرون آنان می‌درخشد و آنان را به نور تبدیل می‌کند.

۷-۶. احقاف/۳۵

«كَانَتْهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ مَا يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبُثُوا إِلَّا سَاعَةً مِنْ نَهَارٍ»: در این آیه کریمه، به زمان اخروی و زمان دنیوی اشاره شده است. کافران، عمر دنیوی خود را (مشبه) در کوتاهی (وجه‌شبه) مانند ساعتی از یک روز (مشبه به) تصوّر خواهند کرد. تشبیه ضمنی، مؤکد، مفصل (شاید بتوان لبث و درنگ را وجه دانست)، مفرد مقید به مفرد مقید و معقول بعید به معقول قریب است.

۸-۶. عادیات/۱۰-۱

وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا * فَالْمُورِيَاتِ قَدْحًا * فَالْمُغِيرَاتِ صُبْحًا * فَأَثَرُنَ بِهِ نَقْعًا * فَوَسْطَنَ بِهِ جَمْعًا * أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعْثِرَ مَا فِي الْقُبُورِ * إِنْ رَبَّهُمْ بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَخَبِيرٌ»: در این آیات کریمه، خداوند متعال برای بیان ناگهانی بودن رستاخیز از روش تمثیل استفاده کرده است. تمثیلی که برای عرب کاملاً ملموس بوده است. اسبانی که از برخورد سم‌های آنها با زمین، جرقه می‌جهد و سوارانی سوار بر آنها، سپیده‌دمان خیمه‌های قبیله‌ای را محاصره کرده و گرد و غبار می‌کنند و می‌تازند و اقدام به غارت آنها می‌نمایند. مردم قبیله، چشم باز می‌کنند و خود را در محاصره غارتگران می‌بینند. بنت الشاطی در التفسیر البیانی می‌نویسد: «تَأْتِي هَذِهِ الصُّورَةُ الْعَنِيفَةُ لَافِتَةً إِلَيَّ مَا عَهْدَ الْقَوْمِ مِنْ مِثْلِ تِلْكَ الْغَارَاتِ الْمَفَاجِئَةِ الْمَصْبُحَةِ وَ مَا تَحْدُثُ مِنْ بَعْثَرَةٍ وَ حَيْرَةٍ وَ ارْتِبَاكِ وَ لَكِنَّهُ وَاقِعٌ حَتْمًا الْبُعْثُ يَفْجَأُ عَلَيَّ غَيْرَ مُوَعَدٍ فَإِذَا هُمْ فِي حَيْرَةٍ وَ بَعْثَرَةٍ وَ ارْتِبَاكِ» (بنت الشاطی، بدون تاریخ، ج: ۱، ۱۰۳). خداوند متعال، حالت و هیئت کسانی را که به ناگهان با شنیدن صدای شیپور باید از گورها برخیزند به چنین صحنه‌ای مانند کرده است. طرفین چنین تشبیه تمثیلی در سوره وجود دارد و با کمی تأمل می‌توان به آنها پی برد. پنج آیه‌ی نخست نشان‌دهنده صحنه‌ی غارت و آیه‌ی نهم نشان‌دهنده‌ی صحنه‌ی قیامت و رستاخیز است. از این روی، تشبیه تمثیلی موجود، ضمنی و مرکب به مرکب و معقول به محسوس و مؤکد و مجمل و بلیغ است.

۹-۶. نبأ/ ۲۰-۱۹

«وَفُتِحَتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ أَبْوَابًا وَسُيِّرَتِ الْجِبَالُ فَكَانَتْ سَرَابًا»: با کمی دقت و تأمل در این دو آیه کریمه، می‌توان دریافت که آسمان در گشودگی به در و کوه‌ها در نبودن به سراب تشبیه شده است. آسمان که اکنون به فضای بسته می‌ماند چونان دری باز و گشوده خواهد ماند و کوه‌ها همچنان متلاشی شده و ریز ریز خواهند شد که گویی وجود نداشتند و وجودشان به سراب شبیه خواهد شد. همان‌طور که چشم انسان در بیابان چیزی را به عنوان آب می‌بیند ولی وقتی نزدیک می‌شود خبری از آب نمی‌یابد، ذهن انسان هم که تصویری از کوه‌های مختلف داشت آنها را نابود شده خواهد یافت. دو تشبیه ضمنی مؤکد مجمل (بلیغ)، مفرد به مفرد و محسوس بعید به محسوس قریب وجود دارد.

۱۰-۶. حج/ ۲

«يَوْمَ تَرَوْنها تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ»: در این آیه کریمه، یکی از احوال قیامت آمده است. زنان شیردهنده از نوزاد خود غافل می‌شوند و زنان باردار بار خود را بر زمین می‌نهند و مردمان دیگر چنان حیرت‌زده و سردرگم خواهند بود که به انسان‌های سرمست خواهند ماند و این درحالی است که هیچ شرابی نخورده‌اند تا مست گردند. مردم در آن روز، شراب نخواهند خورد که مست شوند، بلکه از هول آن روز، چون سرمستان خواهند بود. تشبیه ضمنی مفرد به مفرد مقید و محسوس به محسوس و مؤکد و مجمل و بلیغ هست.

۱۱-۶. عبس/ ۴۰

«وَوُجُوهُ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ»: در این آیه کریمه، چهره‌ها به چهره‌های غبارگرفته خواهد ماند. ضمیر «ها» در «علیها» به منزله‌ی تکرار وجوه و عائد به آن است و در این صورت، چهره‌های قیامتیان (مشبّه) به چهره‌هایی که گرد و غبار بر آنها نشسته (مشبّه‌به) است می‌ماند. تشبیه ضمنی، مفرد به مفرد مقید و محسوس به محسوس و مؤکد و مجمل و بلیغ هست.

۱۲-۶. «فَإِذَا هُمْ بِالسَّاهِرَةِ»: و ناگهان آن‌ها در حال بیداری و هوشیاری کامل خواهند بود.

واژه «الساهرة» در این آیه از ریشه «سهر» به معنای بیداری و هوشیاری است. در اینجا مردگان که پیشتر در گورها به صورت خفته و بی‌حرکت بودند، به ناگاه به حالت بیداری و هوشیاری کامل در قیامت برانگیخته می‌شوند.

مشبّه (موضوع تشبیه): مردگان گورها (خفتگان بی‌حرکت) و **مشبّه‌به (وجه تشبیه):** بیداران و هوشیاران (ساهره).
بنابراین، مردگان در قیامت به حالت بیداری و هوشیاری کامل درمی‌آیند، که این حالت مخالف و متضاد با حالت پیشین خواب و بی‌حرکتی آنان است.

نوع تشبیه: ضمنی و بلیغ، **مفرد به مفرد:** «هم» (آنها) به «الساهرة» (بیدار و هوشیار)، **محسوس به محسوس:** مردگان خفته به انسان‌های بیدار و هوشیار، **مؤکد و مجمل:** واژه «الساهرة» به خودی خود مفهوم وسیعی دارد (هوشیاری، بیداری، تمرکز و حضور ذهن) و ضمن یک کلمه معانی عمیقی را منتقل می‌کند. **تشبیه موجود:** چون مردگان را به «بیداران» تشبیه می‌کند که یک صفت مثبت و زنده بودن است. **بلاغت:** این تشبیه با توجه به اینکه تحول عظیم از حالت بی‌حرکتی و خفتگی به هوشیاری و حضور ذهن را به صورت کوتاه و گویا بیان می‌کند، بسیار بلیغ و مؤثر است.

برخی مفسران «الساهرة» را به معنای زمین تعبیر کرده‌اند و در این صورت آیه استعاره به کار رفته است (الشریف الرضی، ۱۹۵۵). اما نظر غالب و قریب به ذهن این است که منظور بیداری و هوشیاری مردگان است، یعنی تشبیه ضمنی از مردگان خفته به بیداران هوشیار است که در قیامت رخ می‌دهد (آذرنوش، ۱۳۸۷).

آیه «فَإِذَا هُمْ بِالسَّاهِرَةِ» یکی از نمونه‌های برجسته تشبیه ضمنی است که انتقال حالت مردگان از خواب به هوشیاری کامل را به صورت کوتاه و موجز بیان کرده است. این تشبیه ضمنی، مفرد به مفرد و محسوس به محسوس است و بیانگر تحول بنیادی انسان در روز قیامت است.

۷. نتایج بحث

این پژوهش به بررسی هجده تشبیه ضمنی در دوازده آیه کریمه مرتبط با موضوع قیامت و جهان دیگر پرداخته است. در تمامی این تشبیهات، ادات تشبیه مانند «مانند»، «چون» و «همچون» و همچنین وجه‌شبهه به صورت مستقیم و آشکار حضور نداشته‌اند که

همچنین، از لحاظ نوع ادراک و دریافت مخاطب، تشبیهات «حسی به حسی» (مشاهده شده) بیشترین فراوانی را داشته‌اند (سیزده مورد از هجده تشبیه)، که نشان‌دهنده تمایل قرآن به استفاده از تصاویری است که قابل مشاهده، ملموس و درک حسی آسان باشند. این امر موجب می‌شود مخاطب بتواند با تصاویر ذکر شده ارتباط نزدیکی برقرار کرده و مفاهیم عمیق آیات را بهتر درک کند.

در بررسی نوع ترکیب و ساختار تشبیه نیز، تشبیه «مفرد به مفرد» (یک عنصر به یک عنصر) در پانزده مورد از هجده تشبیه بیشتر دیده شده است. این شیوه تشبیه به دلیل سادگی و مستقیم بودن ساختار، برای مخاطب عام قابل فهم‌تر و نزدیک‌تر است و در نتیجه پیام آیات را سریع‌تر و واضح‌تر منتقل می‌کند.

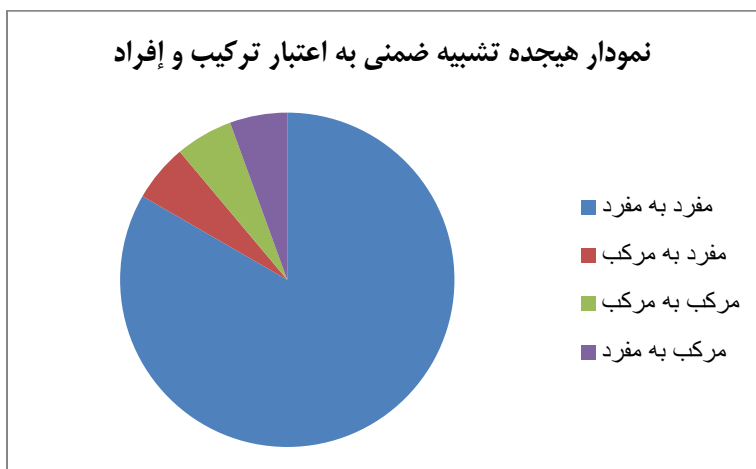
این یافته‌ها نشان می‌دهد که قرآن کریم در آیات مرتبط با قیامت، با بهره‌گیری از تشبیهات ضمنی «مؤکد و مجمل» و با استفاده از تصاویر «حسی به حسی» و ساختار «مفرد به مفرد»، ضمن حفظ عمق معنایی و بلاغت، به شکلی موجز و جذاب، مفاهیم پیچیده و روحانی قیامت را به مخاطب منتقل می‌کند.

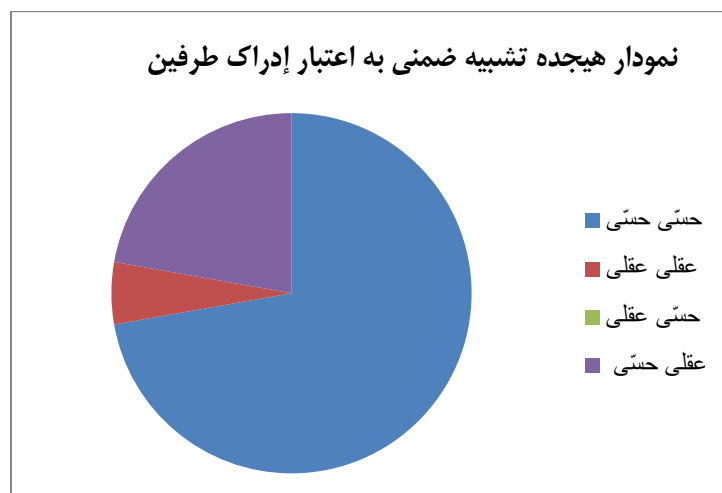
در پایان، نمودار زیر فراوانی انواع تشبیه از لحاظ ادراک (حسی-حسی و غیره) و ترکیب (مفرد به مفرد و غیره) را نشان می‌دهد که تاییدکننده این تحلیل‌ها است:

این ویژگی، مشخصه اصلی و بنیادین تشبیه ضمنی محسوب می‌شود. به عبارت دیگر، وجه‌شبه و ادات تشبیه در این آیات به طور غیرمستقیم و پوشیده بیان شده‌اند که خود بیانگر بلاغت و ظرافت ادبی قرآن است.

از این منظر، تمامی تشبیهات ضمنی مورد بررسی، از نوع تشبیه‌های «مؤکد» و «مجمل» بوده‌اند؛ یعنی صفت و وجه‌شبه میان طرفین تشبیه به‌گونه‌ای بیان شده است که به حد اعلا بلاغت و تأثیرگذاری در زبان و مخاطب می‌رسد. تشبیه مؤکد و مجمل، ضمن حفظ موجز بودن، قدرت بیان بالایی دارد و موجب ایجاد تصویر زنده و ملموس در ذهن مخاطب می‌شود. در نتیجه، می‌توان این تشبیهات را در مرتبه «أبلغ» از مراتب بلاغت دانست که قرآن کریم به کرات از آن بهره برده است.

در زمینه تحلیل تشبیهات براساس ادات تشبیه و وجه‌شبه، مشاهده شد که تشبیهات «مؤکد و مجمل» در آیات مورد مطالعه غالب بوده‌اند. این نوع تشبیه، ضمن اینکه صفت مشخص و غالب بین دو طرف را به صورت مستقیم بیان نمی‌کند، در عوض به دلیل اختصار و حذف ادات صریح، تأثیر بیانی عمیق‌تر و گسترده‌تری دارد و موجب جذب بیشتر توجه مخاطب می‌شود. این امر با ویژگی برجسته بلاغت قرآن که شامل اختصار در بیان و در عین حال انتقال معناهای عمیق و چندلایه است، همخوانی کامل دارد.





References

- Holy Quran.
- Al-Khourī Al-Shartouni, Allameh Saeed, (1416), *Aqrab al-Mawarid fi Fasah al-Arabiya wa al-Shawared*, Tehran, First Edition, Dar al-Asweh.
- Al-Sakkaki, Abu Yaqoub Youssef bin Muhammad, (2000 AD), *Miftah al-Uloom*, Beirut, First Edition, Dar al-Kutub al-Ilmiyya.
- Al-Sharif al-Radhi, Abu al-Qasim Ali bin al-Hussein, (1955 AD), *Talkhis al-Bayan fi Majazat al-Qur'an*, Qom, First Edition, Manshurat Maktabat Basirati.
- Al-Taftazani, Sa'd al-Din, (1376), *Explanation of the*, Qom, Eighth Edition, Dar al-Hikma.
- Azarnoush, Azartash, (1378), *Contemporary Culture*, Tehran, Ninth Edition, Ney Publishing.
- Bint al-Shati', Aisha Abdul Rahman, no date, *Al-Tafsir al-Bayani lil-Qur'an al-Karim*, Cairo, Sixth Edition, Dar al-Ma'arif.
- Ebrahimi Dinani, Gholamhossein, (1392), *Resurrection*, Tehran, Third Edition, Hekmat Publications.
- Esmaeili, Esmaeil, (1381), *Interpretation of the Proverbs of the Quran*, Tehran, Fourth Edition, Osveh Publications.
- Hashemi, Ahmad, (1380), *Jawaher al-Balagha*, translated by Hassan Erfan, Tehran, First Edition, Balaghat Publishing.
- Jorjani, Abdul Qaher, (1370), *Secrets of Eloquence*, translated by Jalil Tajlil, Tehran, University of Tehran Publications.
- Khatib Qazvini, Jalal al-Din Muhammad, (1904 AD), *Al-Talkhis fi Ulum al-Balagha*, by Professor Abdul Rahman al-Barquqi, Cairo, First Edition, Al-Maktaba al-Tijariyah bi Misr.
- Makarem Shirazi, Naser, (1384), *Resurrection and the Afterlife*, Qom, Fifth Edition, Soroor Publications.
- Mulla Sadra, Muhammad bin Ibrahim, (1362), *Origin and Resurrection*, Tehran, First Edition, University Publishing Center.
- Parhizi, Abdul Khaleq, (1396), *The Course of Rhetorical Sciences in Persian Literature*, Tehran, First Edition, Ferdows Publications and Nashr-e Farhang-e Rooz.
- Shamisa, Sirous, (1381), *Bayan*, Tehran, Ninth Edition, Ferdows Publications.
- Shirazi, Ahmad Amin, (1370), *The Art of Rhetoric in Brief Explanation of Meanings*, Qom, First Edition, Islamic Propaganda Office.

Scientific and research articles

- Iqbali, Ibrahim, (2013), *Implicit Simile in Contemporary Traditionalist Poetry* (with emphasis on the works of Bahar, Shahriar, Rahi, Sayeh, and Amiri Firuzkuhi), *Tabriz University Journal*, Vol. 68, Serial No. 228